

شهيد آيت الله سيد حسن شيرازي (قدس سره)

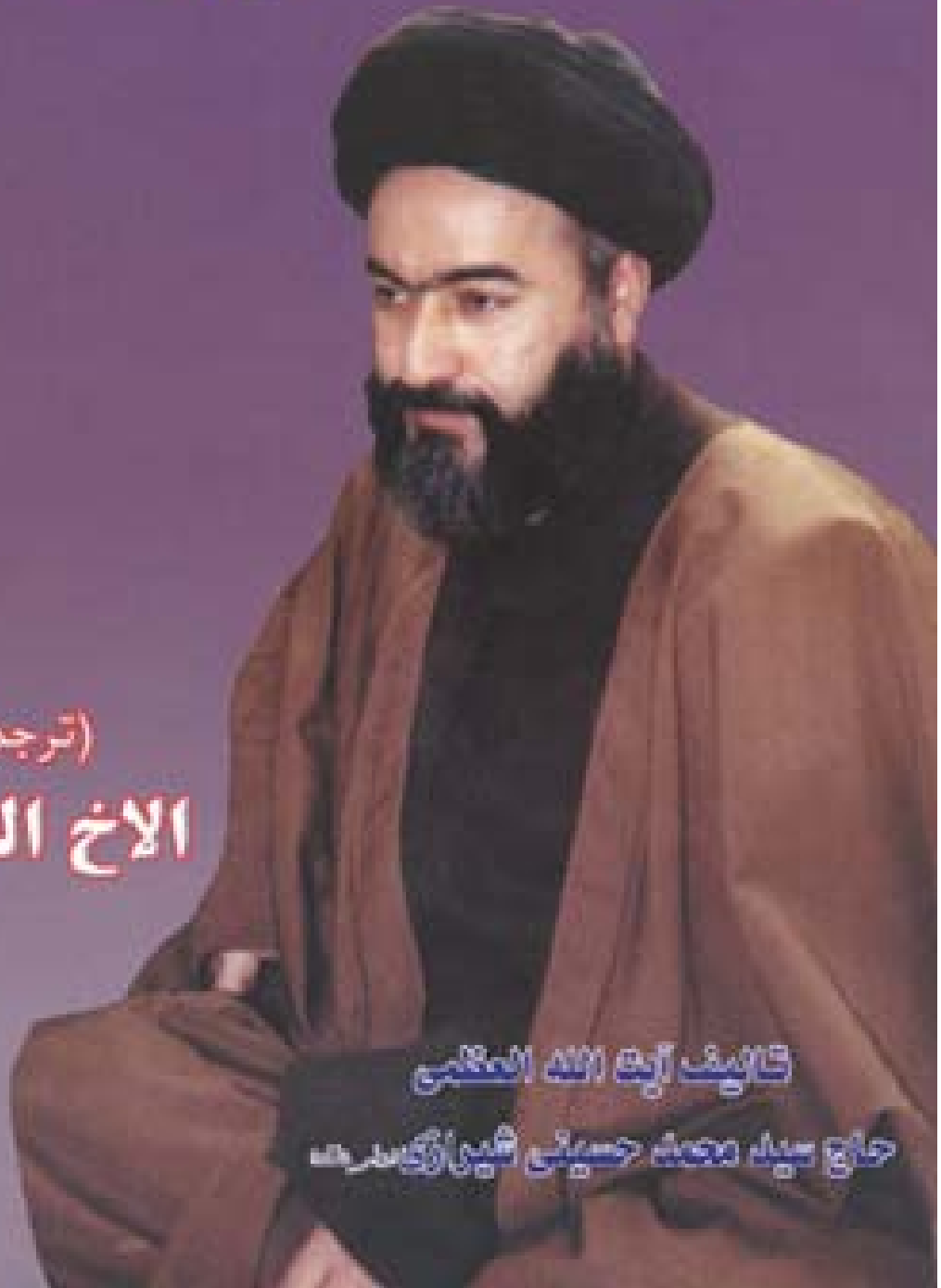
بزرگ مرد علم و جهاد

(ترجمه)

الاخ الشهيد

تأليف آيت الله العظمى

حاج ميرزا محمد حسين شيرازي (قدس سره)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴾^۱

و آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندارید بلکه زنده‌اند و نزد پروردگار خویش مُتنعم و روزی خوار می‌باشند .

« مشخصات کتاب »

نام کتاب : گذری بر حیات شهید سید حسن شیرازی « قدس سره »

گردآورنده : مرکز الرسول الاعظم

تیراژ : ۵۰۰۰

ناشر : نشر حجت - ص پ ۶۳۱ - ۸۱۳۹۵ اصفهان

WWW.SHAAER.COM

فهرست

۴	پیشگفتار
۶	ولادت، خاندان
۷	اخلاق نیکو
۸	تفکر تابناک
۱۰	جهاد وی
۱۴	مؤسسات دینی
۱۶	سفرهای تبلیغی
۱۷	حج بیت الله الحرام
۱۸	مؤلفات و کتب
۱۹	شهادت
۲۰	تشییع و دفن
۲۱	بیانیه علویون
۲۳	مقدمه به قلم حجة الاسلام و المسلمین سید حسن شیرازی
۲۵	بیانیه علویون اهل حق
۳۳	عقاید علویون اهل حق
۳۸	ادله احکام شرعی
۳۹	فروع دین
۴۳	خاتمه

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

حمد و ستایش پروردگار دو جهان و درود و تهنیت بر پیامبر رحمت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاک آن حضرت.

آن هنگام که فرشتگان را خبر رسید که ذات باری تعالی خلقی نو خواهد آفرید که بشر نام دارد و دو قوه نیکی و زشتی در او قرار خواهد داد و اختیار به او می دهد که خود انتخاب کند و بناست این مخلوق نو ظهور خلیفه و جانشین خدا بر زمین شود که: ﴿اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً.....﴾^۱

مدهوش و متحیر گشته و رو به درگاه احدیت آوردند و به صورت اعتراض گفتند:

﴿اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَآءَ...﴾^۲

ای پروردگار حکیم آیا کسانی را در زمین قرار می دهی که فساد ببار آورند و خونریزی نمایند.

و جواب این اعتراض چنین بود: ﴿اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ﴾^۳ من می دانم آنچه شما فرشتگان نمی دانید ...

و آنچه خدا می دانست و فرشتگان از آن غافل بودند وجود هزاران هزار انسانی بود که پای بر شهوات و امیال نادرست گذاشته رو به سوی خدا خواهد آورد. مگر ملائکه نمی دانستند که در مقابل قابیل خونریز و سرکش، هابیل خدا پرست و خیرخواه خواهد بود؟! آیا

۱- سوره بقره: آیه ۳۰.

۲- سوره بقره: آیه ۳۰.

۳- سوره بقره: آیه ۳۰.

نمی دانستند که در مقابل نعره شیطانی ﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾^۱ فرعون با نغمه های عارفانه مناجات موسی در طور برخواهد خواست؟! مگر در مقابل طغیان نمرود، توحید و یکتا پرستی ابراهیم در فطرت آنان نبود؟! ولی چنانچه فرشتگان از جهد و جهاد پیامبر اکرم، علی مرتضی، فاطمه زهرا، حسن مجتبی و حسین شهید علیهم السلام از عبادت های خالصانه نبوی در کوه حرا و مناجات های پرسوز علوی و راز و نیازهای شبانه فاطمی آگاه بودند، هیچگاه آینده بشر را به این مقدار تاریک و ظلمانی نمی دیدند.

حتی اگر از این انوار مقدسه بگذریم، در صورتی که ملائکه می دانستند که چه جان گذشته هائی و در راه اطاعت از خدا قدم خواهند نهاد و جان خود را در راه رضایت او بر کف نهاده، چنین سؤالی نمی کردند.....

کسانی که از دنیا و آنچه در آن است چشم پوشی نمودند و برای دفاع از دین و قرآن و اهل بیت زندگی سخت و پر رنج و مشقتی را خریدند ...

فرشتگان از وجود چنین کسانی بی اطلاع بودند بنابراین عذر را به درگاه خالق آوردند که

﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾^۲

و اکنون بعد از بیست سال هنوز در آسمان شهادت نامی از این دسته و گروه انسانها می درخشد، نامی که یاد او، راه جهاد و مقاومت را به علماء و آزادگان می آموزد.

۱- سوره النازعات : آیه ۲۴ .

۲- سوره بقره: آیه ۳۲، هیچ نمی دانیم مگر آنچه را که تو ما را تعلیم فرموده ای.

ولادت، خاندان

آیه الله شهید سید حسن شیرازی سال ۱۳۵۴ هجری قمری در نجف اشرف در خاندان اصیل و ریشه دار تاریخ تشیع چشم به جهان گشود، خاندانی که به علم تقوا و جهاد معروف بوده و هستند.

جد بزرگ وی مرجع اعلاّی زمان خود آیه الله العظمی سید محمد حسن شیرازی قدس سره است که به مجدد شیرازی معروف گشت، ایشان بعد از آیه الله العظمی شیخ انصاری قدس سره زعامت و مرجعیت را به دوش گرفتند و نهضت بزرگی را در عراق رهبری نمودند که به انقلاب تنباکو معروف گشت و به شکست استعمار انگلیسی منجر گردید.

دایی ایشان آیه الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره است که در زمان خود مرجع اعلاّی محسوب می گشت و او بود که انقلاب عراق را رهبری نمود و با استعمار انگلیس به جهاد برخاست تا آنکه در سال ۱۹۲۰ میلادی موفق به طرد این تجاوزکاران از عراق شیعه گردید.

پسر عموی وی مرحوم آیه الله العظمی سید عبد الهادی شیرازی قدس سره است که مرجع تقلید شیعیان بود.

پدر بزرگوارش مرجع اعلاّی دینی شیعیان مرحوم آیه الله العظمی میرزا مهدی شیرازی قدس سره است.

و برادر بزرگتر وی آیه الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی دام ظلّه است که مرجع دینی، مؤلف و متفکر بزرگ جهان تشیع است و جمعی از بزرگان علماء دینی و مدرسین حوزه های علمیه وی را به عنوان مرجع اعلم معرفی نموده اند.

آن شهید در خاندان مرجعیت و فقاہت، تقوا و فضیلت، علم و سیاست، جهاد و اجتهاد، خدمت به دین و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به دنیا آمد. و در زمان طفولیت به همراه پدر بزرگوارش از نجف اشرف به کربلای معلی کعبه عشاق حسینی مهاجرت نمود و در آستانه نورانیت سید الشهداء ابا عبد الله الحسین علیه السلام رشد کرد و از آن امام درس جهاد و مقاومت آموخت و در آخر به همان امام اقتدا نمود و شربت شهادت نوشید.

آیه الله شهید از خرد سالی تحصیل علوم دینی را آغاز نمود و بعد از اتمام دوره سطح در دروس خارج اساتید بزرگ فقه و اصول از جمله آیه الله العظمی سید هادی میلانی قدس سره و آیه الله العظمی میرزا مهدی شیرازی قدس سره و آیه الله العظمی شیخ محمد رضا اصفهانی قدس سره و برادرش آیه الله العظمی سید محمد شیرازی دام ظلّه به تحصیل پرداخت، تا آنکه به درجه اجتهاد نائل گردید و در حوزه علمیه زینبیه دمشق مدتها مشغول تدریس خارج شد.

اخلاق نیکو

آیه الله شهید نمونه کامل اخلاق اسلامی بود، با تمام اقشار مردم متواضع و فروتن بود، شیرین سخن، خوش خلق، با شخصیتی استوار، با وقار و هیبت الهی.

هر مقدار با او سخن می گفتی باز تشنه گفتار پر ارج وی می شدی تنها هدف ایشان الله بود، روز و شب بدون خستگی برای نشر معارف اسلامی و انجام تکلیف الهی می کوشید، هیچگاه در بند خوراک و پوشاک نبود.

در مقابل گرفتاریها و مشکلات سهمگین همچون کوهی استوار می ایستاد و در مقابل هیچ نوع فشاری تسلیم نمی شد و از سرزنشها و نیش زبانها در راه خدا نمی هراسید، هیچگاه تزلزل

نیافت و همچنان استوار در مقابل انواع شکنجه‌های ددمنشانه جلادان حزب بعث عراق مقاومت نمود.

زهد و تقوا از معیشت و زندگی بی‌پیرایه او هویدا بود، با آنکه سالها در عراق، سوریه و لبنان و بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر به سر برده بود و دهها مؤسسه دینی، فرهنگی و اجتماعی تأسیس نموده بود با آنکه مدیر حوزه علمیه زینبیه به شمار می‌رفت و همواره به دلیل شخصیت بزرگش مورد احترام بود با این حال حتی خانه‌ای در این دار فانی برای خویش خریداری ننمود.

تفکر تابناک

شهید بزرگوار با الهام از انوار روشن قرآن مجید و سیره اهل بیت مسیر نجات ملت‌های مسلمان را ترسیم نمود و به راستی سرکشان و طاغوتیان مخصوصاً حکام استعماری عراق چه مقدار حاکمیت قرآن و اهل بیت واهمه و هراس دارند؟!

آیه الله شهید همواره مردم را دعوت می‌نمود که احکام اسلام را اجرا نمایند، قوانین حیات بخش دینی را زنده نگاه دارند و بارها تأکید می‌کرد که: تشکیل یک جامعه قانونی و ایجاد ضوابط و قوانین صحیح ممکن نیست مگر از طریق اسلام و معصومین علیهم السلام و هر قانونی که مخالف اسلام است و تنها موجب محدودیت و هدم آزادیهای شخصی و اجتماعی می‌شود، مردود و محکوم به شکست است.

آن شهید بزرگوار بر تمام انواع عزاداریهای تأکید می‌نمود بر پا داشتن یاد امام حسین علیه السلام به هر شکل و صورتی باشد قدرت مقابله با دشمنان را در مسلمانان افزایش می‌دهد همواره در مقابل استعمار فکری- فرهنگی در کشورهای اسلامی ایستادگی نمود.

اسلام را به جهانیان معرفی نمود و با تأسیس مؤسسات و مراکز دینی با ادیان و افکار باطل و منحرف مقابله می نمود.

آیه الله شهید فقهاء و مراجع را رهبران امت اسلامی در زمان غیبت امام عصر می دانست و همواره بر پیروی از آنان تأکید داشت.

این مراجع و فقهاء بوده و هستند که حافظ مکتب و مذهب تشیع در قبال افکار انحرافی اند.

بارها و بارها بر اهمیت حیاتی شورای فقهاء تأکید ورزید:

« حکومت اسلامی دائم و پا برجا شکل نخواهد گرفت مگر در سایه شورای مراجع و فقهاء و احزاب و جمعیت‌های سیاسی اسلامی نخواهند بود مگر آنکه با رهبری یک مرجع و سفیقه اداره شوند».^۱

وی با دیدی باز و جامع انواع بیماریها و کاستیهای اجتماعی را تشخیص می داد، مصلحت طلبی، ماده گرایی، تحصیل دنیا به اسم دین، ترس و سکوت در مقابل ستمکاران، به تماشا نشستن ظلم و جور و نشر عقائد منحرف و اهانت به مقدسات، نتیجه این نقائص - گذشته از عذاب اخروی - چه بود؟

ذلت و خواری و بیچارگی در این دنیا، خرد شدن در مقابل طاغوتی پست به مانند صدام، آیه الله شهید همواره امت اسلامی را متوجه خطر صهیونیست و اسرائیل می نمود چگونه است که اسرائیل در قلب کشورهای اسلامی جای می گیرد، و مسلمانان با این جمعیت و امکانات وسیع قادر به مقابله با آن نیستند، آیا این شکست یادآور این آیه شریفه نیست؟

﴿ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا... ﴾^۲

و آن کس که از من غافل شود زندگی سخت و ناگواری دارد، مسلمانان و اعراب چند برابر اسرائیل جمعیت و امکانات و اموال داشته و دارند با این حال اسرائیل مدت ربع قرن است که

۱- مراجعه شود به کتاب: « آیه الله شهید السید حسن شیرازی فکرة و جهاد».

۲- سوره طه: آیه ۱۲۴ .

به روش ظالمانه خویش ادامه می‌دهد، - و این درست چند سال پیش از به شهادت رسیدن آن عالم مجاهد بود.

امروز مسلمانان گرفتار سیل مشکلات و مصائب گردیدند و این همان وعده الهی است، نسبت به زندگی سخت و ناگوار ناشی از روی گردانی از دین و احکام آن است. چگونه ممکن است که بالغ بر یک میلیارد و پانصد میلیون نفر مسلمان اسرائیل را احاطه کنند، در حالیکه هر اقدامی از سوی آنان می‌تواند برابر با نابودی آن رژیم غاصب باشد، اما تنها گاه و بیگاه به سخن گفتن و شعار بسنده کنند؟!!

جهاد وی

در زمان نوری سعید

نوری سعید در ایام حکومت خویش بر عراق از راههای مختلف سعی داشت که اهداف استعمار را پیاده نماید، آیه الله شهید در مقابل این حرکات و کوششها به پا خاست و در سایه راهنمائیهای پدر و برادر بزرگوارش به ارشاد و تبلیغات دینی پرداخت.

وی با ارتباط با دست اندرکاران و تحریک اذهان عمومی جامعه، حکام وقت عراق را از خواب غفلت بیدار می‌نمود با انتشار مقالات مؤثر، فرهنگ اسلامی را در جامعه گسترش می‌داد. ایشان مجله وزین «الاخلاق و الادب» را اداره می‌نمودند همزمان با پیمان بغداد که بین نوری السعید و پهلوی دوم بسته شد آن شهید مقاله‌ای با نام «پیمان استعماری» در این مجله درج نمود که مورد توجه عموم خوانندگان قرار گرفت و موجب خشم دولت وقت عراق و ایران گشت، دولت عراق بر آن شهید سخت گرفت و مجله را ضبط نمود و تمام کارکنان آن را به زندان فرستاد.

در زمان عبد الکریم قاسم

عبد الکریم قاسم که منادی کمونیست در عراق بود به حکومت رسید و شهید بزرگوار با تمام قوا در مقابل عقائد و افکار کمونیستی ایستاد و سد محکمی در مقابل امواج کفر و گمراهی و الحاد ایجاد نمود، وی موجب شد که بسیاری از جوانان در دام احزاب کمونیستی گرفتار نشوند، تجمعی تشکیل داد به نام «الشباب الحسینی» و در این انجمن تمام طبقات مردم از جمله جوانان را نسبت به خطر کمونیسم آگاهی داد، کتابچه‌های مختلف و جلسات متعدد و مجالس مناظره برای جوابگویی به شبهات کمونیستها ایجاد نمود، در همین ایام دست به ابتکار زیبایی زد، به تشویق پدر و برادر بزرگش جشن باشکوهی در سیزده رجب به مناسبت تولد با سعادت امیر المؤمنین علی علیه السلام تشکیل داد، مهمانها و شخصیت‌های مختلف از سرتاسر عراق به این جشن فرا خواند، گرچه حکومت کمونیستی وقت در اجرای چنین مراسمی اشکال تراشی می کرد اما آن شهید در برگزاری هر چه با شکوه‌تر جشن کوشش نمود تا بالاخره این جشن برپا گردید و در واقع به یک گردهمائی دینی فرهنگی تبدیل گشت و سالها این سنت حسنه ادامه پیدا کرد.

در زمان عبد السلام و عبد الرحمن عارف، در زمان حکومت این دو برادر، آیه الله شهید و جمعی از علماء نزد این دو رفتند و خواستار لغو قوانین غیر اسلامی و اجرای اسلام و قرآن در کشور شدند، و همچنان آن شهید برای اجرای اسلام پا فشاری می نمودند.

در زمان حکومت احمد حسن البکر، سید شهید همواره وظایف و مسئولیت‌های سنگین امت اسلامی را به دوش می کشید آنگاه که ملاحظه نمود حکومت ستمگر عراق بنا دارد روح انحراف و بی بند و باری را در میان مردم بدمد و درخت سترگ دین را از ریشه بدر آورد پیا خاست و با عزت و اقتدار در مقابل حکومت وقت ایستاد.

در مقابل تمام کوششها و توطئه‌ها که سعی داشت ملت را از ایمان و دین جدا کند ایستاد و تا آنجا که امکانات اجازه می داد به نشر فرهنگ و آگاهی بین مردم اقدام می کرد در مقابل

تهدیدها و فشار تسلیم نشد تا آنکه در اوائل ربیع الاول ۱۳۸۹ هجری قمری در زندان « قصر النهایة » بازداشت شد و انواع شکنجه‌های دردناک و وحشیانه در مورد وی اعمال گشت بارها و بارها ضربات تازیانه بدن رنجور وی را مجروح نمود، دست و پا و انگشتان وی بر اثر برخورد با چوب و آهن شکسته شده بود تا آنجا که تا آخر حیات پر برکش از درد استخوانهای شکسته شده آرام نداشت، بدن وی را بارها با اتو سوزانده بودند و با وسایل الکتریکی موهای صورت و ابروانش را کنده بودند، روزها در گرمای طاقت فرسای عراق گرسنه و تشنه وی را شکنجه می نمودند و او را با پا به پنکه سقفی آویزان می نمودند.

جلادان استعمار از آن شهید می خواستند که سندی را امضاء کند مبنی بر اینکه سیصد تن از علماء و بزرگان شیعه جاسوس و دست نشانده بیگانگان هستند، در میان این سیصد تن نام آیه الله العظمی سید محسن حکیم و آیه الله العظمی سید محمد شیرازی به چشم می خورد.....

آیه الله شهید در مقابل همه این شکنجه‌های روحی و جسمی مقاومت نمود و با توکل بر خدا و توسل به ائمه معصومین ثابت قدم مقاومت نمود تا آنجا که چند بار وی را به بیمارستان نظامی انتقال دادند و بعد از چندین ماه وی را به زندان « بعقوبه » انتقال دادند و در آنجا اجازه دادند که نزدیکان و خویشان وی با او دیدار کنند. اولین کسی که با ایشان دیدار نمود مادر متقی و فاضل وی بود، هنگامی که شهید مادرش را دید به طرف وی آمد سر به زیر انداخت تا بر دستان مادر بوسه زند، چهره آیه الله شهید بر اثر شکنجه‌ها آنقدر تغییر کرده بود که مادرش در اولین برخورد او را نشناخت و از او پرسید: تو کیستی؟ من فرزندم حسن را می خواهم!!

آیه الله شهید جواب داد من فرزند شما حسنم، مادر فرزند شکنجه دیده خود را به آغوش کشید آنقدر گریه کرد تا از هوش رفت.

بعد از ماهها به برکت دعاء و توسل و به توسط فشار علماء و فقهاء و شخصیات مختلف مسلمان در کشورهای مختلف اسلامی آیه الله شهید از زندان آزاد شد. اخبار زندانی شدن و شکنجه وی در روزنامه‌ها و نشریات بسیاری از کشورهای اسلامی و اروپایی منتشر شد.

بعد از آزادی آن شهید بزرگوار بلافاصله به بیروت هجرت کرد و فرصتی را از دست شکنجه گران گرفت و گرنه چندی بعد برای دستگیری و اعدام وی مراجعه نمودند و وی را نیافتند.

مدتی در بیمارستانهای لبنان تحت معالجه بودند و بعد دوباره به میدان جهاد و مبارزه باز گشتند، جا دارد که به توطئه‌های نظامهای استعماری عراق در مقابل آن شهید مبارز و برادر بزرگوارشان اشاره‌ای شود. نشر انواع تهمتها و دروغ پردازیها در مورد ایشان، جلوگیری و مانع تراشی در راه نشر افکار و کتابها و مؤسسات ایشان، استخدام جاسوسها در مدارس و مؤسسات ایشان، منع چاپ کتب ایشان و به آتش کشیدن آنچه از ایشان چاپ شده بود، مراقبت دائمی از آن دو بزرگوار و مرتبطین و متعلقین به وی، استراق سمع و کنترل نامه‌ها و پیامها، منع و نهي طلاب علوم دینی از حضور در درس خارج برادر بزرگوارشان همچنین منع مردم از حضور در نماز جماعت ایشان که در صحن امام حسین علیه السلام برگزار می‌شد، ممنوعیت خروج وابستگان به ایشان حتی جلوگیری از انجام فریضه حج، ضبط و مصادره تمام مؤسسات مربوط به ایشان از جمله درمانگاه قرآن کریم، صندوقهای قرض الحسنه، مدارس حافظات و حفاظ قرآن کریم، کتابخانه‌های عمومی و تمامی مجلات و نشریه‌های صادره از طرف ایشان، مصادره اموال و وجوهات شرعی که برای برادر ایشان فرستاده می‌شد و بازداشت بسیاری از وابستگان به ایشان.

مؤسسات دینی

آیه الله شهید مؤسسات و مراکز دینی متعددی را پایه نهاد:

در عراق

ایشان بیش از ده مجله دینی را تأسیس نمود یا در تأسیس آن نقش اساسی داشت، از جمله: «الاخلاق و الاداب»، «اجوبة المسائل الشرعیة»، «صوت المبلّغین»، «نداء الاسلام»، «القرآن یهدی»، «اعلام الشیعة»، «منابع الثقافة الاسلامیة»، «صوت العترة» «ذکریات المعصومین علیهم السلام»، «مبادئ الاسلام» و همچنین ایشان در شکل گیری بسیاری از هیئتها و جمعیتهای دینی نقش مؤثری داشتند.

سوریه و لبنان

آیه الله شهید در لبنان مؤسسات و مراکز دینی متعددی را پایه نهاد از جمله: حوزه علمیه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دارالصادق - اولین مرکز شیعی چاپ و نشر کتاب در بیروت - «جماعة العلماء»، مجلة الايمان و

شهید بزرگوار معتقد بودند که لبنان مکان مناسبی برای نشر اسلام و معارف اهل بیت می باشد بنابراین فعالیتهای دامنه داری را آغاز نمود که مورد توجه مجلات و نشریات لبنان قرار گرفت.

در سوریه اولین حوزه علمیه شیعی در جوار مرقد نورانی حضرت زینب سلام الله علیها به دست وی تأسیس شد و حوزه زینبیه نام گرفت، تأسیس حوزه در این منطقه یکی از توصیه های پدر بزرگوار ایشان آیه الله العظمی میرزا مهدی شیرازی بود.

به حمد خدا این حوزه مرکز نشر فرهنگ والای اسلامی و معارف اهل بیت قرار گرفت و صدها مبلّغ، عالم، مدرس و طلبه از این حوزه به جهان اسلام اهداء شد، تأسیس این حوزه

موجب فعالیت بیش از پیش شیعه در سوریه و ایجاد مساجد، حسینیه‌ها، کتابخانه‌ها و حوزه‌های مختلف دیگر شد و آن شهید بزرگوار راه را برای این سنت حسنه باز نمود. شیخ علی ربانی خلخالی در کتاب وزین خویش که درباره حضرت رقیه نگاشته، چنین می‌نویسد:

« حوزه علمیه زینیه در شام - سوریه - را علامه شهید مدافع بزرگ اهل بیت معصومین آیه الله سید حسن شیرازی در جوار مرقد حضرت زینب تأسیس نموده است یکی از شیعیان ساکن زینیه برای من چنین نقل کرد که حضرت زینب را در خواب دیده است در حالیکه شهید سید حسن شیرازی از مقابل آن حضرت عبور می‌نمود، حضرت زینب اشاره به آن شهید می‌نمایند و می‌فرمایند:

« ایشان مرا از غربت رهایی بخشید » شاید کلام ایشان اشاره باشد به تأسیس حوزه علمیه زینیه و تشکیل مجالس عزاداری متعدد و زنده نگاه داشتن ذکر اهل بیت در سرزمینی است که روزی پایتخت دولت اموی بوده است.^۱

آن شهید بزرگوار در دیگر شهرها و مراکز سوریه نیز مساجد و حسینیه‌های متعددی بنا کردند:

مسجد فاطمه زهرا سلام الله علیها در حمص، مسجد امام حسین علیه السلام در صافیتا، مسجد امام صادق علیه السلام در لاذقیه، مسجد امام رضا علیه السلام در جبلة، حسینیه در بایناس و

جمعیت بزرگ علویین سوریه که جدا از شیعه به شمار می‌رفتند شهید بزرگوار بحثها و گفتگوها و مناظرات متعددی با علماء و بزرگان این جمعیت انجام داد و بعد از کنکاشهای علمی هشتاد تن از بزرگان و روحانیون این فرقه در طی بیانهای تصریح کردند که شیعه هستند و عقائد مذهب حقه شیعه اثنی عشری را می‌پذیرند، این بیانیه به زبانهای مختلف انتشار یافت.^۲

۱- کتاب: ستاره درخشان شام حضرت رقیه دختر امام حسین، صفحه ۲۲۳، فصل هفتم.

۲- در پایان این بحث بیانیه مفصل علماء علویون ذکر خواهد شد.

آیه الله شهید برای نشر و بسط معارف اهل بیت و شناساندن چهره‌های تابناک معصومین صدها هزار کتاب دینی و مذهبی در مناطق و مراکز مختلف سوریه پخش و توزیع نمودند.

سفرهای تبلیغی

سفری به آفریقا:

آیه الله شهید برای گسترش فرهنگ عالی اسلامی و توجه مردم به الله و رسیدگی به امور مسلمانان سفرهای متعددی انجام داد.

به ساحل عاج، سیرالئون و دیگر مناطق افریقایی سفر نمود مراکز متعدد دینی تبلیغی در جای جای کشورهای آفریقایی تأسیس نمود، با بزرگان و شخصیت‌های مسلمان دیداری نمود و ارشادها و توجهات لازم را انجام می‌داد ایشان در شهر «آبیدجان» مرکز اسلامی بزرگی را تأسیس کرد که از مسجد، حسینیه، کتابخانه، مدرسه و درمانگاه تشکیل می‌شد نماینده‌ای را برای اداره این مرکز و رسیدگی به امور مسلمانان ساحل عاج تعیین نمود.

ایشان با مهاجرین لبنانی مقیم در آفریقا دیدارهای متعدد داشتند و آنان را در راه نشر عقائد اسلامی بالخصوص مذهب اهل بیت علیهم السلام تشویق می‌نمودند.

حجّ بیت الله الحرام

آن شهید بزرگوار بارها به حج مشرف شدند و سنت حسنه «تشکیل بعثه» را پایه گذاری نمودند که تا امروز نیز پابرجاست:

هر یک از مراجع تقلید شیعه عده‌ای از روحانیون و مبلغین شیعه را به صورت متشکل به حج می‌فرستد تا در آنجا در ایام حج مرکزی تشکیل دهند و به مسائل و مشکلات شیعیان رسیدگی نمایند.

آیه الله شهید در ایام حج فرصت را غنیمت می‌شمردند و با مسلمانان کشورهای مختلف تماس می‌گرفتند تا از مشکلات و ناگواریهای کشورهای اسلامی آگاهی یابند و روح اسلام اصیل را در کالبد آنان بدمند و به تعالیم تابناک اسلامی رهنمونشان سازند، در ایام حج نشستهای متعددی با علماء و بزرگان مسلمان داشتند و در مورد کاستیها و نواقص جوامع اسلامی و راه حلها بحث و گفتگو می‌نمودند.

همواره بر آزادی مسلمانان بالخصوص شیعیان تأکید می‌ورزیدند و برای تجدید بناء قبور ائمه بقیع بسیار کوشیدند، در خلال این فعالیتها موفق شدند شیعیان حجاز را از تحت فشار در آورند و از طرف دولت حاکم آزادیهایی برای مراسم دینی آنها تحصیل نمایند.

سفر به مصر:

شهید بزرگوار چندین بار به مصر مسافرت نمودند و از اوضاع مسلمانان آن دیار آگاه شدند همچنین از دانشگاه الأزهر دیدار نمودند و بارها با مفتی بزرگ سنّیها شیخ محمود شلتوت - همان که فتوا به صحت عمل بر طبق مذهب شیعه داده بود - دیدار نمود و بارها با وی به

مناقشه و بحث و مناظره نشسته بودند تا آنجا که شیخ شلتوت به ایشان قول داد که فتوای صریح دیگری در صحت مذهب شیعی صادر کند.

در خلال این سفر شهید بزرگوار مرقد سپه سالار امیر المؤمنین مالک اشتر را که در مصر دفن شده بود، ترمیم و تجدید بنا نمودند.

مؤلفات و کتب

آیه الله شهید در حدود پنجاه اثر گرانقدر از خود باقی گذاشته‌اند که بهترین دلیل بر فضل و کمال و دانش ایشان است بعضی از این آثار چاپ شده و باقی برای چاپ آماده می‌شود.

از آن جمله دوره «الكلمة» می‌باشد: «كلمة الله هي العليا»، «كلمة الاسلام»، «كلمة الرسول الاعظم»، «كلمة فاطمة الزهراء»، «كلمة الامام امير المؤمنين»، «كلمة الامام الحسن»، «كلمة الامام الحسين»، «كلمة الامام زين العابدين»، «كلمة الامام الباقر»، «كلمة الامام الصادق» در چهار جلد، «كلمة الامام الكاظم»، «كلمة الامام الرضا»، «كلمة الامام الجواد»، «كلمة الامام الهادی»، «كلمة الامام العسكري»، «كلمة الامام المهدي»، «كلمة الانبياء» «كلمة الاصحاب»، «كلمة السيدة زينب»، «كلمة السيدة ام كلثوم»، «كلمة العلماء والحكماء»، «خواری عن القرآن» در سه جلد «الاقتصاد الاسلامی»، «العمل الادبی»، «الادب الموجّه»، «التوجيه الديني»، «الشعائر الحسينية»، «الصراع المرير»، «اله الكون»، «حديث رمضان»، «ديوان اشعار»، «بحوث و مقالات» و.....

شهادت

و سرانجام در واپسین ساعات روز جمعه ۱۶ جمادی الثانی سال ۱۴۰۰ هجری قمری آنگاه که شهید از محل اقامتش در بیروت خارج می شد تا در مراسم بزرگداشت آیه الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر که خود تشکیل داده بود شرکت کند، مورد هجوم دژخیمان بعثی قرار گرفت و تا کسی حامل ایشان از چهار طرف هدف رگبار عمال رژیم ددمنش صدام قرار گرفت، چندین گلوله بر بدن طاهر آن شهید فرو نشست و آیه الله سید حسن شیرازی دعوت حق را لبیک گفت و محاسن نورانیش به خون سرش خضاب گشت و به درجه عالی شهادت نائل شد. درود و سلام و صلوات خدا بر او باد.

خبر این حادثه دهشناک به سرعت در عالم اسلام پخش شد و تمام رسانه‌های خبری خبر این فاجعه را انعکاس دادند، شخصیت‌های اسلامی بیانیه‌های متعددی در محکومیت این جنایت و تجلیل از آن شهید بزرگوار صادر نمودند از جمله مجلس شورای اسلامی - شیعی - لبنان، رئیس این مجلس شیخ محمد مهدی شمس‌الدین در این بیانیه یادآور شد: « این عمل جنایتی بزرگ و فاجعه‌ای دردناک است که بر ضد دولت و ملت و مجلس لبنان و ضد اسلام و مذهب انجام گرفته است، از دست دادن حضرت آیه الله شیرازی در واقع از دست دادن یک وزنه بزرگ علمی، دینی در زندگی ماست، رئیس جمهور لبنان بدین مناسبت بیانیه‌ای صادر کرد که: « ما این جنایت هولناک را به شدت محکوم می‌نمائیم ... »

کامل الاسعد رئیس مجلس نمایندگان لبنان خواستار برپائی اجتماعات اعتراض آمیز در قبال این جنایت گشت و سید شهید را بزرگ مردی شمرد که ثروت علمی، دینی و سیاسی عظیمی به همراه داشت، از دست دادن ایشان را بزرگترین ضرر به جامعه لبنانی اعلام نمود. بعضی از وزراء لبنانی جداگانه این جنایت را محکوم نمودند و از اقصی نقاط عالم اسلامی بیانیه‌هایی در محکومیت این جنایت صادر گردید و هزاران تلگراف تسلیت به برادر ایشان

مرجع بزرگوار عالم تشیع حضرت آیه الله العظمی سید محمد شیرازی ارسال شد، بسیاری از مراجع و علماء اسلام از جمله آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره، آیه الله العظمی سید صادق روحانی دام‌ظله و دیگران پیامهای تسلیت ارسال نمودند.

تشییع و دفن

جسد پاک و طاهر آن شهید در لبنان و سوریه تشییع پرشکوهی شد و در این مراسم عموم علماء، فضلاء، و شخصیت‌های رسمی، سیاسی و مردمی شرکت داشتند، سپس بدن آن شهید به ایران منتقل شد و در تهران تشییع گشت و سپس در شهر مقدس قم تشییع جنازه گشت، حوزه علمیه قم و بازار آن به احترام آن شهید تعطیل گشت و تشییع جنازه کم سابقه‌ای از ایشان به عمل آمد در این مراسم مراجع تقلید بزرگ و مدرسین حوزه علمیه شرکت داشتند. آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره بر بدن ایشان نماز گزارد و ایشان را در جوار مرقد پاک و نورانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به خاک سپردند.

فَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ اسْتُشْهِدَ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

سلام و درود بر او آن زمان که به دنیا آمد و آن روز که به شهادت رسید و آن هنگام که سر از خاک بر خواهد داشت.

مرکز الرسول الاعظم

للتحقیق والنشر

۱۴۱۹ - ۱۹۹۸ م

بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه علویون

در سفری که برای انجام فریضه حج مشرف بودیم در بعثه حج و هیئت اعزامی مرجع دینی حضرت آیه الله مجاهد آقای حاج سید محمد شیرازی با اخوی محترم ایشان حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید حسن شیرازی ملاقات به عمل آمد و خبر مسرت بخشی در مورد علویون سوریه و لبنان شنیدیم که مسلمانان علوی اتهامات نامربوطی را که تا به حال در مورد غلو نسبت به مقام حضرت علی علیه السلام و نسبت الوهیت به حضرتش به آنان می زده اند که از خود دفع کرده و به منظور رفع این شبهات بیانیه ای رسمی صادر نموده اند و در این بیانیه یادآوری نموده اند که ما مذهبی غیر از مذهب تشیع و دینی جز اسلام نداریم و فقه و احکام ما همه از منابع فقه اهل بیت است.

حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای سید حسن شیرازی که با جمعی از علماء و طبقات مختلف آنان طی چند سال اقامت در لبنان مصاحبه و مذاکراتی مفصل داشته اند به این حقیقت پی می برند که علویون سوریه و لبنان مسلمانانی با صفا و با اخلاق هستند که از نظر مذهب جعفری بوده و شیعیان پاک سرشتی می باشند. و این بیانیه دیدگاه بزرگان علوی است که به امضاء هشتاد نفر از رجال مذهبی علویون سوریه و لبنان رسیده است و از طرف دارالصادق بیروت با تیراژ وسیعی به عربی چاپ شده و در ایام حج برای اطلاع مسلمین جهان منتشر گردیده است.

نا گفته نماند که اقدامات این شخصیت بزرگ در راه وحدت و عظمت مسلمین بسیار گران و تحمل ناپذیر بود به طوریکه در مدینه یک روز که خدمتشان بودیم اظهار فرمودند امسال توفیق انجام مناسک حج از من سلب شد زیرا طبق اطلاعات اطمینان بخشی نقشه از بین بردن

ما را در عرفات و منی طرح کرده‌اند و لذا از آمدن به مکه منصرف شدم و به منظور حفظ حرم امن الهی از مدینه به سوی بیروت مراجعت نمودند. چنانچه روزنامه رسمی (النهار) خبر این توطئه را چنین نقل می‌کند: (رهبر مذهبی سید حسن شیرازی پس از انجام مراسم مذهبی زیارت مدینه از دیار مقدسه به سوی بیروت بازگشتند، ایشان یادآور شدند که علت این بازگشت ناگهانی کشف یک توطئه و سوء قصد نسبت به جان ایشان بوده است با این که حکومت سعودی اقدام به تدابیر امنیتی به منظور حفظ جان ایشان کرده بودند اما چون فریضه حج را در سالهای قبل به جا آورده بودند بهتر دیدند که به بیروت مراجعت نمایند).

معظم له در بیروت اقدام به تأسیس مدرسه علوم دینی‌ای نموده‌اند که بسیار مجهز و با برنامه صحیحی مشغول به کار شده است.

در این مدرسه در حدود یک صد نفر طلبه و دانشجوی علوم و معارف دینی مشغول به تحصیل می‌باشند و عده‌ای از آنان از همان علویون سوریه و لبنان می‌باشند.

امید است خداوند به ایشان توفیق بیشتری عنایت فرماید تا بتوانند با توسعه این مرکز علمی، علوم و معارف اهل بیت را در آن سامان نشر دهند.

در خاتمه امیدوارم نشر این جزوه در ایجاد وحدت میان مسلمین سهم بسزائی داشته باشد، و مسلمانان را متوجه سازد که به منظور تفاهم هر چه بیشتر و از بین بردن شکافهای موجود بکوشند.

و امید است که برادران اهل حق ایران در صحنه و لرستان و کرد و شاه آباد غرب، و برادران گوران در تبریز و حوالی، و ترکیه و سایر سرزمینهای اسلامی از این اقدام نیک برادران مسلمان علوی خود پیروی کرده، تا با رفع اینگونه اختلافات، مسلمین متفق و متحد گردند.

ایران = حوزه علمیه قم

۲۵ ذیحجه الحرام ۱۳۹۲ قمری

علی کاظمی مومندی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه به قلم حجت الاسلام و المسلمین سید حسن شیرازی

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على نبيه

والاطهار من عترته

بحمد الله خداوند به من توفیق داد و از تاریخ سوم تا هفتم شعبان ۱۳۹۲ هجری برادران مسلمان و «علویان» کشور جمهوری سوریه را ملاقات کردم، و سپس در طرابلس لبنان به ملاقات برادران مسلمان علوی رفتم، این ملاقاتها به همراهی جمعی از روحانیون و مبلغین دینی و به امر برادر بزرگوارم حضرت آیه الله مجاهد سید محمد شیرازی دام‌ظله صورت گرفت، با جمعی از علماء، روشنفکران «علویون» و گروههایی بسیاری از شهرها و روستائیان علوی در اجتماعات و مراکز علمی و دانشکده‌های آنان ملاقات کردیم، و با آنان گفتگوهای زیادی داشتیم و همانگونه که درباره آنان فکر می‌کردیم آنان را شیعه اهل بیت علیهم السلام یافتیم، و اخلاص و صفا و پیروی از حق در آنان احساس می‌شد.

و اینک توجه شما را به بیانیه‌ای جلب می‌کنیم که دانشمندان و علمای علوی بر آن اتفاق نموده‌اند، و بدین وسیله برادران مسلمان ما «علویون» با سرافرازی تهمت‌های نابجایی را از خود دفع می‌کنند تا با صدایی بلند منطق عالی خود را به گوش جهانیان برسانند، و بگویند ما اینگونه هستیم که خود می‌گوییم.

این بیانیه با کمال روشنی به دو قسمت اشاره می‌کند:

۱ - آنکه علویون شیعیانی هستند که دارای ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشند، و برخی از آنان از نظر ولایت به حضرت علی علیه السلام منسوبند، مانند تمام شیعیان که از نظر عقیده به حضرت علی علیه السلام نسبت دارند، و عده‌ای نیز علاوه بر نسبت عقیده از جهت نسب فرزند حضرت علی علیه السلام می‌باشند مانند سادات شیعه.

۲ - کلمه «علویون» و کلمه «شیعه» دو کلمه مترادف است، بنابر این هر شیعه‌ای عقیده علوی دارد، و هر علوی دارای مذهب شیعه می‌باشد.

در خاتمه توجه کسانی را که این آیه شریفه را نادیده گرفته‌اند جلب می‌کنیم، خداوند می‌فرماید: «به خاطر دنیای زودگذر به کسانی که با شما از در صلح وارد می‌شوند، نگوئید: «مؤمن نیستی»»^۱.

متوجه باشید که دیگر عصر تفرقه که به وسیله تهمت‌های ناروا اجازه تفرقه اندازی داده می‌شد، سپری شده است و امروزه عصر اتحاد و بهم پیوستگی است که حتی کلمات حق رفت و آمد ندارند مگر با گذشتن از زیر نورافکن‌های قوی. و از درگاه خداوند خواستارم که مسلمانان را بر آنچه که خیر و صلاح آنان است یک دل و یک زبان سازد، که توفیق به دست خداوند است.

حسن شیرازی

۱۱ ذی القعدة الحرام ۱۳۹۲ هـ. ق



بیانیه علویون اهل حق

« این است بیانیه‌ای برای مردم تا از آن پند گیرند و بدانند که تنها او است خدای یکتا و تا یاد آور شوند خردمندان».^۱
قرآن کریم

خداوند را می‌ستایم، زیرا که ستایش حق اوست، از خداوند کمک می‌خواهم و راهنمایی می‌طلبم و به او ایمان دارم و تنها بر او توکل می‌نمایم.
درود بر محمد بن عبد الله سرور پیامبران و خاتم رسولان و سلام گرم ما بر رهبران و امامان و راهنمایان بزرگ که خداوند پلیدی را از آنان دور کرده و از لوث گناه و پستی آنان را پاک ساخته است.

اما بعد آنچه که میان مردم ایجاد تفرقه و جدائی می‌کند بی‌اطلاعی از وضع یکدیگر و پیروی از هوا و هوس و اعتماد نمودن در گفتار از دیگران بر سخنان نا معلوم و بی‌تحقیق است، همین بی‌خبری تفرقه‌انداز است که در گذشته و حال زیانهای فراوان به بار آورده و می‌آورد:

۱ - اما در گذشته

در گذشته سیاستهای تفرقه‌انداز در میان مردم تفرقه می‌انداخت و هر فرقه‌ای نسبت به فرقه دیگر تهمتهائی در دین و دنیای آنان وارد می‌ساخت.

۲ - هم اکنون

افراد مغرض و هوچی تهمتهای گذشته را از لابلای کتابها بیرون کشیده به صورت حقایق تاریخی جلوه می‌دهند و همین تهمتها را دشمنان اعراب و مسلمین از یهودیان و دیگران

۱- سوره ابراهیم: آیه ۵۲.

بیشتر شایع می‌کنند و کار مسلمین به جایی رسیده است که اگر نگوئیم بطور کلی روابط آنان با یکدیگر قطع شده باید بگوئیم چیزی نمانده است که روابط مسلمین با یکدیگر بکلی قطع شود.

امروزه مسلمین در این گرفتاری سیاسی که دارند و در این برهه از زمان که می‌خواهند سری از خواب غفلت بردارند، بیش از هر وقتی می‌بایست در این تهمتها دقت کنند و این قبیل اتهامات تفرقه‌انداز را به دور اندازند و درباره اختلافات جزئی که در فروع دین دارند چشم‌پوشی کنند و دنبال عقل و روح دین باشند، نه دنبال گفته‌ها و دیکته‌های افراد نادان و مغرض بیفتند.

در این موقعیت خطیر مصالح مسلمین ایجاب می‌کند که خردمندان هر اجتماعی هشیار باشند و از سرزنش نمودن فرقه‌های دیگر اسلامی به مواردی که نظیر آن را هم خود دارند، جداً پرهیزند.

البته هیچ اجتماعی و مذهبی از پاره‌ای انحرافات وارده خالی نمی‌باشد و همین انحرافات است که گاهی اجتماعات را مورد حمله و اعتراض دیگران قرار می‌دهد، صلاح مسلمین در آن است که در فکر چاره باشند و انحرافات خویشان را اصلاح کنند و به جای آنکه درصدد معارضه بر آمده انحرافات دیگران را بازگو کنند، خود را از گیر انحرافات نجات دهند.

اجتماعات ما مسلمانان علوی و (اهل حق) در گذشته مورد حملات و سرزنشهای سخت بود و عده‌ای افراد مریض می‌رفتند در گذشته کاوشها می‌کردند و تهمتهایی را که دشمنان اسلام به ما بسته بودند بازگو می‌کردند و به رخ ما می‌کشیدند، چه تهمتهای ناسزائی که هیچ دین و هیچ کتاب و هیچ ملتی آن را قبول نداشته و ندارد.

در این موقعیتی که دشمن در اطراف ما کمین کرده و ملت‌های بیگانه تا اعماق فضا پیش تاخته‌اند، ما علویون (اهل حق) برادران مسلمان خود را هشدار می‌دهیم که از این قبیل حملات و تهمتهای ناجوانمردانه در مورد ما دست بردارند، خداوند تهمت زندگان را به عذاب سخت و عده داده و می‌فرماید:

« کسانی که می خواهند در میان مؤمنین فحشاء (و تهمت‌ها) را رواج دهند برای آنان عذاب دردناکی است.»^۱

آنکه با گفتن و نشر این تهمتها اختلافات را دامن می‌زنند، به این آیه شریفه توجه کنید:
 « ای کسانی که ایمان آورده‌اید همانند آنان که موسی را آزار دادند، نباشید، خداوند موسی را از آن تهمتها منزّه ساخت و موسی نزد خداوند آبرومند بود.»^۲
 و هیچ نقشه‌ای برای صلاح بهتر از دعوت با روش مسالمت آمیز نیست همانگونه که قرآن مجید فرموده است:

(مردم را با موعظه نیکو و دلیل و برهان به سوی پروردگارت دعوت کن و با طریقه‌ای که بهتر است با آنان گفتگو کن، که پروردگارت هم گمراهان از راه راست را خوب می‌شناسد و هم هدایت یافته‌گان را بهتر می‌شناسد).^۳

برای ایجاد تفاهم از این بهتر راهی نیست که مطالب منتشر گردد، و از اوضاع و عقاید همدیگر اطلاع پیدا کنیم تا منطق افراد تهمت پرداز و مغرض درهم کوبیده شود، و روی همین حسابهای درست و به منظور حفظ اخوت اسلامی، و برای آنکه دل‌های مریض حقایق را برعکس جلوه ندهند علمای ما در مناسبت‌های گوناگونی که دشمنان برای ایجاد تفرقه میان امت متحد اسلامی پیش آوردند اقدامات جالبی داشته‌اند و اینک ما به قسمتی از آن اشاره می‌کنیم:

أ - در همان ابتدا که دولت فرانسه به کشور سوریه راه یافت و « حکومت مستقلی به نام علویون » به وجود آورد، بیگانگان دست به اقدامات پستی زدند همانگونه که در مراکش فعالیت‌هایی نمودند، و جریان « ظهیر » مشهور را در مراکش بوجود آوردند، و در نتیجه ملت

۱- سوره نور: آیه ۱۹، ﴿ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین آذوا موسی فبرأ الله مما قالوا و کان عند الله وجیهاً﴾.

۲- سوره احزاب: آیه ۶۹، ﴿یا ایها الذین آمنوا لا تکنوا کالذین آذوا موسی فبرأ الله مما قالوا و کان عند الله وجیهاً﴾.

۳- سوره نحل: آیه ۱۲۵، ﴿ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن إن ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیله و هم اعلم بالمهتدین﴾.

بربر را از اعراب جدا کردند تا بربریان طبق عرف و عادت خود حکومت نمایند نه طبق شریعت اسلام، و نیز بیگانگان می خواستند داد گاههای علوی برای خود قانون مستقلی غیر از قانون اسلامی ایجاد کنند، اما قضاوت روشن و بیدار علوی این خواسته استعمار را طرد کرده با اصرار مخصوصی اعلان نمودند که ما مسلمانیم، و قانون ما نیز قانون اسلامی و جعفری است.

لذا اجانب عقب گرد کردند، و قضات ما هم در مورد ازدواج و طلاق و دیگر موارد بدون کم و زیاد مطابق مذهب اسلام و فقه جعفری حکم می کردند. و بدین ترتیب نقشه بیگانه را نقش بر آب ساختند، نقشه‌ای که اجانب می خواستند به وسیله آن این منطقه را عموماً و علویون را خصوصاً از دایره اسلام خارج سازند، تا سر صبر، خود بر آنان حکومت کنند، و هدفهای استعماری خود را دنبال نمایند.

ب - در سنه ۱۹۳۶ میلادی علمای ما ضمن تدوین جزوه‌ای این دو بند را مقرر ساختند:

بند اول: « هر فرد علوی مسلمان است، و شهادتین را گفته و به آن ایمان دارد و ارکان پنجگانه اسلام را بر پا می دارد ».

بند دوم: « هر فرد علوی که اقرار به اسلام خود نیاورد، و یا آنکه منکر آن باشد که قرآن کتاب او است و محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر او می باشد، از نظر شرع علوی نیست، و ارتباطی به علویان مسلمان ندارد ».

و به دنبال این دو بند بیانیه‌ای صادر نمودند که در آن عربیت و دین خود را چنین تشریح نمودند، و اینک متن آن بیانیه:

« علویون مسلمان و شیعه هستند، و در طول تاریخ خود روشن ساخته‌اند که از پذیرفتن هر نوع دعوتی که می خواسته است عقیده آنان را عوض کند خودداری نموده‌اند ».

و نیز در این بیانیه چنین آمد:

« علویون یاوران امام علی علیه السلام هستند، همان علی که پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و داماد آن حضرت و وصی او می باشد، همان علی که پیش از او کسی به

پیامبر ایمان نیاورد، و همان علی که در جهاد اسلامی و فقه و دین اسلامی آن مقام بی‌مانند را داشت، و کتاب علویین همان قرآن کریم است.»

و نیز در آن بیانیه چنین آمده است:

«علویون همان افرادی هستند که از نسل قبائل عربی بودند، و در کنار نهر فرات به یاری امام علی علیه السلام شتافتند.»

ج - و در مناسبتی دیگر که نیز در سال ۱۹۳۸ بیگانگان بوجود آوردند علماء ما در تاریخ « ۹ جمادی الآخر سال ۱۳۵۷ ه. ق » در پاسخ پرسشی که از آنان شده بود جوابی را همگی امضاء کردند، که هم اکنون ما قسمتی از عین عبارت این جواب نامه را نقل می‌کنیم:

«دین نزد خدا تنها اسلام است^۱ و هر کس بجز اسلام دینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد، و در آخرت از زمره زیانکاران است^۲ و در اسلام مذهب ما مذهب امام جعفر صادق علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام است، و ما به استناد فرموده پیامبر اسلام حضرت ختمی مرتبت که فرموده است: «در میان شما چیزی می‌گذارم که اگر پس از من به آن چنگ زدید گمراه نخواهد شد، کتاب خدا که رشته‌ای است کشیده شده از آسمان به سوی زمین، و عترتم اهل بیتم، و این دو از همدیگر جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند» و این مذهب و روش را برای خود در پیش گرفته‌ایم، این است عقیده ما علویون و برای افراد خردمند همین مقدار کافی است.^۳

د - و در مناسبت دیگری علامه بزرگ شیخ سلیمان احمد فتوای ذیل را صادر فرمودند و علامه شیخ صالح ناصر الحکیم و علامه شیخ عید دیب الخیر نیز آن را امضاء نمودند.

۱- سوره آل عمران: آیه ۱۹، ﴿انّ الدّین عند الله الاسلام﴾ .

۲- سوره آل عمران: آیه ۸۵، ﴿و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الاخرة من الخاسرین﴾

۳- و این پاسخ نامه را دانشمندان ذیل امضاء نمودند:

شیخ یوسف غزال مفتی دادگاه حقه، شیخ علی حمدان قاضی مذهبی در طرطوس، شیخ کامل صالح دیب، شیخ عید دیب الخیر، شیخ صالح ناصر الحکیم، شیخ یونس حمدان، شیخ حسن حیدر قاضی مذهبی در لاذقیه، شیخ علی عبد الحمید مفتی دادگاه جبله و شیخ محمد حامد قاضی مذهبی در مصیاف.

« بگوئید: به خدا ایمان آورده‌ایم - بگوئید: به خدا ایمان آورده‌ایم»^۱.

خوشنودم به ربوبیت الهی، و راضیم که اسلام دینم باشد، و خوشنودم که محمد بن عبد الله رسول خدا و پیامبر من است، و امیر المؤمنین علی امام من است. از هر دینی که مخالف دین اسلام است بی‌زارم، گواهی می‌دهم که خدائی جز خدای یکتا نیست، و محمد بنده خدا و فرستاده او است.

این مطلب را هر فرد علوی بر زبان جاری می‌کند و به آن عقیده دارد و یا از راه تقلید و یا از راه اجتهاد به آن ایمان دارد».

و بیشتر آنچه که در این باره نوشته شده است در کتابچه‌ای به نام: (تحت رایة لا اله الا الله، محمد رسول الله) جمع آوری گردیده است. و علامه بزرگ فاضل محترم شریف عبدالله آل الفضل این کتابچه را گرد آوری نموده‌اند، و در چاپخانه ارشاد لاذقیه در سال ۱۳۵۷ هـ به چاپ رسیده است.

ه - و اینک فتوای ذیل را که علامه شیخ سلیمان احمد از پنجاه سال پیش در مورد اختلافی که علمای علوی درباره جواز جمع بین دختری و عمه‌اش و یا خاله‌اش داشته‌اند، صادر نموده است، نقل می‌کنیم و این فتوی مخصوص علویین است و هیچ نوع تقیه‌ای هم در این مورد میان آنان وجود ندارد و این فتوی دیگر جائی برای تردید باقی نمی‌گذارد که علویین از مذهب جعفری پیروی می‌نمایند و این فتوی بیدار باشی است برای آن دسته از علویین که در مورد این مسئله تقیه می‌کرده‌اند تا به اصل خود باز گردند.

صریح فتوی این است

علویین در عبادات و احکام حلال و حرام، معاملات و ارث دارای مذهب مستقلی نیستند زیرا در همه اینها بر مذهب امامی جعفری اعتماد می‌کنند زیرا مذهب جعفری ریشه مذهب علوی است و علویین فرع مذهب جعفری هستند، بنابراین بر علویین واجب است که در

اصول فقه و فروع آن به مذهب جعفری رجوع کنند، و فقه جعفری فقهی است غنی که هیچ مسأله و حکمی را فرو گذار ننموده است.

و این رابطه گرچه به واسطه سیاست از صدها سال پیش قطع شده است، تا اینکه در عصر حاضر متوجه این رابطه شده‌ایم و از این فروع مسائلی مانده است که خلف از سلف روی اجتهاد قدیم به ارث برده‌اند، من خودم در دوران گذشته برخی از علمای بزرگ را درک کرده‌ام که میان دختر و عمه‌اش و دختر و خاله‌اش نیز جمع کرده است.

اما برادران علوی که منکر جواز هستند دلیلی ندارند جز اینکه از روی تقیه رفتار کرده‌اند، زیرا علویین اخیراً ارث و آداب شریعت را به حکم موقعیتهائی که داشته‌اند، و با اجازه امامانشان با تأویل خود از اهل سنت می‌گرفته‌اند.

و چون ما معتقدیم که امامان ما راهنمایان ما هستند و رهبران ما می‌باشند و برای ما راهی به سوی خدا هستند و هیچگاه از کتاب خدا جدا نیستند و بر خلاف قرآن نظری ندارند، بر ما واجب است که دست به دامان آنان شویم و گفتار دیگران هر کس که باشند رها کنیم، این نظر من است و به آن عقیده دارم، درود بر آن کس که حقیقت و اهل حق را بشناسد و گفتار و کردارش برای خدا باشد، و درود بر مولای ما محمد و آل او باد.

و در سال ۱۹۵۲ میلادی پس از مناظرات و بحثهای طولانی که علمای علوی با مفتی بزرگ جمهوری سوریه انجام دادند و این بحثها و مراجعات حدود بیست روز در مشق ادامه یافت، بیانیه‌ای رسمی از طرف علمای علوی به شماره ۳ در تاریخ ۱۵/۶/۵۲ هـ و بیانیه‌ای نیز از طرف مفتی سوریه به شماره ۸ در تاریخ ۹/۲۷/۱۹۴۲ م صادر گردید و به موجب این بیانیه رسمی انجمنی از علمای فاضل ما تشکیل شد و درباره علمای جعفری سوریه تحقیق کردند و آنان هم اجازه دادند که علمای علوی از سبک لباس علمای جعفری استفاده کنند و این موضوع نیز در بیانیه‌ای رسمی به شماره ۳۳ آگهی شد.

اینک به منظور همبستگی هر چه بیشتر با برادران دینی و میهن خود و برای آنکه از مکر و نیرنگ دشمنان دین و ملیت ما محفوظ بمانند و گول شایعات تفرقه انداز و فتنه‌انگیز دشمن نخورند و البته فتنه‌انگیزان معلوم است که در پیشگاه خدا و رسول چه وضعی خواهند داشت. و به خاطر وظیفه‌ای که اسلام به دوش ما گذشته است و باید حقیقت را اعلان کنیم. و به منظور پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام که در تبلیغ رسالت پیامبر اسلام با جدیت می‌کوشیدند و به پیروی از منویات علماء و دانشمندان ما که از ائمه معصومین علیهم السلام درس گرفته‌اند و در راه دین و اتحاد و اتفاق مسلمانان با جدیت بسیار کوشیده‌اند. به خاطر این هدفهای انسانی و خدائی.

و برای همکاری با نیاکان و پیشینیان خود در راه اعلای حقیقت و از بین برداشتن ابهام‌ها و تاریکی‌ها.

و به منظور پاسخ دادن به دعوت‌های علمای فاضل و دانشمندان بزرگمان در اجتماع تاریخی خود روز ۲۴/۸/۱۳۹۲ هـ به پیروی از اقدامات بزرگان و معتمدین علوی.

و به خاطر رضای خداوند و اظهار حقیقت و تثبیت موقعیت علویان و اعلای کلمه توحید و ایجاد وحدت اسلامی و برای تأمین منافع مؤمنین و بندگان خدا.

و به خاطر همه اینها و به پیروی از سلف صالح خود و به منظور تجدید نوشته‌های آنان اینک به طور خلاصه عقاید خود را که در آشکار و نهان بدان ایمان داریم، ما با این عمل چیزی تازه از آشکار و نهان خویش بر دین و عقیده خود نیفزوده‌ایم و این نوشته تجدید گذشته‌ها است برای اقامه حجت و روشن ساختن راه و روش و تأکید آنچه که تا به حال بر آن بوده و هستیم، همانگونه که در نمازهای یومیه با خدا و رسول خدا هر روز تجدید عهد می‌کنیم، در پنج نماز شبانه روز حداقل نه بار تشهد می‌دهیم که « لا اله الا الله و محمد رسول الله » البته خداوند حکمت و مصلحتی دیده است که بر مؤمنین واجب فرموده همه روزه چندین بار با او تجدید عهد کنند، از خداوند یگانه خواستاریم که با این عمل ما را مشعلی فروزان قرار

دهد که هر فرد نادان و گمراهی با نور آن هدایت یابد و همگان از پرتو آن راه خویش را باز شناسند.

عقاید علویون اهل حق

دین

ما علویون معتقدیم که قوانین را خداوند به وسیله پیامبران خود فرستاده است و آخرین دین الهی که کامل ترین ادیان آسمانی است دین مقدس اسلام می باشد که قرآن مجید می فرماید: ﴿ان الدین عند الله الاسلام﴾^۱ و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الاخرة من الخاسرین^۲.

یعنی (دین نزد خدا تنها اسلام است)، (و هر کس به غیر از اسلام دینی را برای خود اختیار کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است).

اسلام

اسلام عبارت است از اقرار به شهادتین: ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله و اعتقاد پیدا کردن به آنچه را که پیامبر صلی الله علیه و آله سلم از جانب خداوند آورده است.

ایمان

ایمان عبارت است از اعتقاد راستین به وجود خداوند سبحان و ملائکه و کتب آسمانی و پیامبران با اقرار به شهادتین.

۱- سوره آل عمران: آیه ۱۹.

۲- سوره آل عمران: آیه ۸۵.

اصول دین

ما علویون (اهل حق) معتقدیم که اصول دین پنج است: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد. و معتقدیم که باید اصول دین را از روی دلیل و برهانی که به سبب آموختن علم و نه از روی گمان و یا تقلید حاصل شود.

توحید

معتقدیم که باید در جهان آفرینش خداوندی بی مانند است که شریک ندارد و این خداوند آفریدگار تمامی موجودات است از کلی تا جزئی (همانندش چیزی نبوده، شنوا و بینا است).^۱ همانگونه که خویشتن از خود خبر داده می فرماید: «ای محمد بگو خداوند یگانه است، خداوند بی نیاز است، نه چیزی از او تولد می گردد و او از کسی متولد نشده است و برای او همانندی وجود ندارد».^۲

عدل

معتقدیم که خداوند بزرگ عادل است و پاکیزه از ستم ﴿و لا یظلم ربك احداً﴾^۳ یعنی (خدای متعال تو، به کسی ظلم نمی کند) و ستم کاران را دوست ندارد و روی همین روش عادلانه در قرآن مجید می فرماید: (خداوند بیش از اندازه طاقت افراد به آنان تکلیف نمی کند)^۴ و خداوند به مردم فرمان نمی دهد مگر به آنچه که در آن صلاح آنان باشد و مردم را باز نمی دارد مگر از چیزی که در آن فساد آنان است و لذا قرآن مجید در این باره می فرماید:

۱- سوره شوری: آیه ۱۱.

۲- سوره توحید. ﴿بسم الله الرحمن الرحيم * قل هو الله احد * الله الصمد * لم یلد ولم یولد * ولم یکن له کفو احد﴾

۳- سوره کهف: آیه ۴۹.

۴- سوره بقره: آیه ۲۸۶، ﴿لا یتکلف الله نفساً الا وسعها﴾.

(هر کس کار نیکی انجام دهد به سود خود کرده و هر کس عمل زشتی انجام دهد به زیان خویشتن کرده است، خداوند نسبت به بندگان خویش ستم روا نمی‌دارد).^۱

نبوت

معتقدیم که به منظور لطف و کرامت به بندگانش پیامبرانی را برگزیده است و آنان را با معجزات و کارهای شگفت‌آمیز یاری داده است و آنان را با اخلاق نیک امتیاز بخشیده است و این پیامبران را به سوی مردم فرستاده است:

« تا پس از آمدن رسولان خدا بر مردم، دلیلی برای انحراف خود نداشته باشند »^۲ و آنکه پیامهای او را به مردم برسانند تا مردم را به خیر و صلاحشان راهنمایی کند و آنان از چیزهایی که فساد شدن در آن است بپیم دهند، تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند گردند « و ما پیامبران را نمی‌فرستیم مگر برای آنکه مردم را به نیکیها ارشاد کرده، از بدیها بپیم دهند ».^۳

پیامبران بسیارند و در قرآن از بیست و پنج نفر آنان نام برده شده است که اول آنان حضرت آدم علیه السلام و آخرینشان حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم است، که پیامبری است مرسل و خداوند او را برای هدایت عموم افراد بشر فرستاده است و شریعت آن حضرت با سادگی تمام که دارد آخرین شریعت الهی و کاملترین آنها است و این شریعت برای هر زمان و مکانی صلاحیت دارد.

ما معتقدیم که خداوند پیامبران خود را قبل از نبوت از فراموشی و اشتباه و گناه عمدی و اشتباهی مصون فرموده و به آنان مقام عصمت را عطا فرموده است و آنان از همه افراد زمان خود برترند و از همه کس بیشتر صفات حمیده را دارا هستند.

۱- سوره فصلت: آیه ۴۶ ، ﴿ و من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعليها و ما ربك بظلام للعبيد ﴾ .

۲- سوره نساء: آیه ۱۶۵ ، ﴿ لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسول ﴾ .

۳- سوره انعام: آیه ۴۸ ، ﴿ و ما نرسل المرسلين الا مبشرين و منذرين ﴾ .

امامت

ما علویون و (اهل حق) معتقدیم که امامت یک منصب خدائی است که خداوند حکیم آن را برای مصالح لازم دانسته است تا به وسیله آن پیامبرانش در دعوت خود یاری شوند و پس از پیامبران امامان قوانین شریعت آنان را از تغییر و تحریف و تفسیرهای باطله حفظ می کنند. و نیز ما معتقدیم که لطف الهی اقتضا دارد که با نص قاطع و صریح امام را تعیین کند، همانگونه که قرآن مجید می فرماید: « و خداوند هر چه را بخواهد می آفریند و خود انتخاب می کند و دیگران حق انتخاب ندارند»^۱.

و معتقدیم که امام نیز باید مانند پیامبر معصوم باشد و اشتباه و گناه از او سر نزند تا مؤمنین در تمامی کردار و گفتارش بتوانند از او پیروی نمایند و امامان در نظر ما دوازده نفرند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نام یک به یک آنان را تعیین فرموده است.

و نیز ما عقیده داریم امامی را که خداوند او را تعیین فرموده و پیامبر خدا هم این تعیین الهی را ضمن روایات متواتری به مردم رسانیده است امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که او نیز بنده‌ای از بندگان خدا و پسر عموی پیامبر و پس از پیامبر آقا و مولای جهانیان است و پس از حضرت علی علیه السلام حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین علیهما السلام امامند و پیامبر هم به امامت آنان تصریح فرموده است و پس از این دو بزرگوار نه امام از نسل امام حسین بن علی علیه السلام است به نامهای: امام زین العابدین علیه السلام، سپس فرزندش امام باقر محمد بن علی علیه السلام، سپس فرزندش امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام، سپس فرزند آن حضرت امام کاظم موسی بن جعفر علیه السلام، سپس فرزندش امام رضا علی بن موسی علیه السلام، سپس فرزندش امام جواد محمد بن علی علیه السلام، سپس فرزندش امام هادی علی بن محمد علیه السلام، سپس فرزندش امام عسکری حسن بن علی علیه السلام، سپس فرزندش امام دوازدهم صاحب الزمان حضرت مهدی حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف است که هم اکنون غایب است و روزی خداوند او

۱- سوره قصص: آیه ۶۸، ﴿و ربك یخلق ما یشاء و یختار ما كان لهم الخیرة﴾

را ظاهر خواهد ساخت و پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شد به وسیله آن حضرت خداوند جهان را پر از عدل و داد خواهد فرمود.

معاد

در این باره معتقدیم که خداوند پس از مرگ مردم را دوباره زنده خواهد فرمود تا به حساب اعمال آنان رسیدگی شود، همانگونه که قرآن کریم می‌فرماید:

«ساعت قیامت خواهد آمد و در آن تردیدی راه ندارد و خداوند مردگان قبرها را دوباره زنده خواهد فرمود».^۱

و افراد نیکو کار را پاداش نیک داده، افراد بد عمل را به سزای کردار زشتش می‌رساند «تا افراد بد کار را به سزای اعمالشان برساند و به افراد نیک پاداش نیک دهد».^۲

و نیز قرآن مجید می‌فرماید:

«در این روز مردم به صورت پراکنده‌ای بر می‌خیزند تا اعمال خویش را ببینند، هر کس ذره مثقالی کار نیک انجام دهد آن را خواهد دید و هر کس ذره مثقالی عمل زشت کرده باشد، خواهد دید».^۳

ما علویون همانگونه که به معاد ایمان داریم به تمام آنچه که در قرآن مجید و حدیث صحیح از روایات بعث و حشر، نشور، بهشت و دوزخ، عذاب، نعمت، صراط و میزان و آمده است، ایمان داریم و همانگونه که قرآن مجید به ما تعلیم فرموده می‌گوئیم:

«پروردگارا به آنچه که نازل فرموده‌ای ایمان داریم و از پیامبر پیروی می‌کنیم، ما را نیز در زمره گواهان ثبت فرما».^۴

۱- سوره حج: آیه ۷، ﴿وإن الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور﴾.

۲- سوره نجم: آیه ۳۱، ﴿لیجزی الذین أسأوا بما عملوا و یجزی الذین احسنوا بالحسنى﴾.

۳- سوره زلزله: آیه ۶، ﴿یومئذ یرصد الناس اشتاتاً لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرة خیراً یره و من یعمل مثقال ذرة شراً یره﴾.

۴- سوره آل عمران: آیه ۵۳، ﴿ربنا آمنا بما انزلت و اتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین﴾.

ادله احکام شرعی

۱- قرآن کریم

درباره قرآن مجید معتقدیم، همین مصحف شریف که امروزه میان مسلمین مشهور و متداول است کلام الهی است و هیچ گونه تحریف و تبدیلی در آن وجود ندارد و همانگونه که خود قرآن اشاره کرده است «قرآن کتابی است عزیز که باطل هیچگونه در آن راه ندارد و از سوی خداوند حکیم نازل گردیده است».^۱

۲- سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دومین مصدر شرعی ما سنت پیامبر است که عبارت باشد از گفتار و افعال و تقریرهای حضرتش که از طریق صحیح به دست ما رسیده باشد و ما معتقدیم که هر کس حکمی از احکام ثابت شده به وسیله سنت پیامبر را انکار نماید کافر بوده، مانند کسی است که منکر حکمی از احکام قرآن شود، زیرا سنت پیامبر به هیچ وجه با قرآن مجید مخالفت ندارد.^۲

و به سنت پیامبر ملحق می گردد آنچه که از امامان معصوم علیهم السلام از طریق صحیح از گفتار و افعال و تقریرات به ما رسیده است.^۳

۳- اجماع

ما علویون معتقدیم آنچه را از احکام که مسلمانان بر آن اجماع نموده و امام علیه السلام هم با آنان است حجت می باشد و این نیز یک دلیل عقلی است گرچه از کتاب و سنت به ظاهر

۱- سوره فصلت: آیه ۴، ﴿ و انه لکتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید ﴾.

۲- و به دلیل آنکه قرآن درباره پیامبر فرموده است: (و ما ینطق عن الهوی إن هو الا وحی یوحی) یعنی « پیامبر از پیش خود چیزی نمی گوید، هر چه می گوید وحی است که بر او نازل می شود». (مترجم)

۳- زیرا ما درباره امام معتقدیم که او نیز هر چه بگوید از پیامبر می گوید و چون معصوم است خطا و اشتباهی از او سر نمی زند. (مترجم)

دلیلی بر آن حکم نداشته باشیم و اجماع با این تعریف با کتاب و سنت مخالفتی نخواهد داشت.

۴ - عقل

دلیل عقلی حجت است هنگامی که در سلسله علل قرار گیرد، یا جزو اموری باشد که عقل آن را پذیرفته است و به نظر ما بکار بردن دلیل عقلی در فقه تنها حق مجتهد است و مجتهد نیز کسی را گویند که برای او ملکه استنباط فراهم آمده باشد که به وسیله آن بتواند احکام فرعی را از ادله تفصیله به دست آورد.

و مرجع تقلید در نظر ما همانگونه که امام زمان علیه السلام فرموده: « آن کس از فقها که خویشتن دار باشد، دین خود را حفظ کند، مخالف هواهای نفسانی خود باشد، مطیع امر مولای خویشتن باشد، مردم عامی باید از او تقلید نمایند».

فروع دین

فروع دین بسیار است و ما به خاطر اختصار اکتفا می کنیم به ذکر پاره ای از مهمات آن، کسانی که بخواهند اطلاع کافی پیدا کنند و افراد بی اطلاع و نادان می توانند به کتب مفصلی که علمای ما درباره فروع دین نوشته اند و در کتابخانه ها موجود است، مراجعه نمایند، اما روی حسابی که در تألیف این جزوه داریم لازم می دانیم فروع دین مخصوصاً قسمت عبادات را به طور مختصر بیان کنیم:

نماز

ما علویون (اهل حق) معتقدیم که « نماز بر اهل ایمان واجب است»^۱.

و عقیده داریم که نماز ستون دین است، و مهمترین عبادتی است که خداوند آن را بر بندگانش واجب فرموده است و از هر عملی پیش خدا بهتر همین نماز است (اگر نماز قبول شود بقیه اعمال هم قبول خواهد شد و اگر نماز رد شود بقیه اعمال نیز مردود است).

و نیز معتقدیم که نمازهای واجب یومیه پنج نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء که مجموع رکعتهای آن هفده رکعت است و در حال سفر و خوف نمازهای چهار رکعتی، دو رکعت خوانده می شوند.

و نیز معتقدیم که از نمازهای واجب نماز جمعه و نماز عید فطر و نماز عید قربان است که با تکمیل شرایط آن واجب می گردد و نیز از جمله نمازهای واجب نماز طواف و نماز میت است و

همانگونه که معتقدیم نمازهای نافله و مستحبی سی و چهار رکعت است، و در اوقات پنجگانه خود خوانده می شود و این نمازها نزد ما به روایت یومیه مشهور است و به نظر ما جایز است انسان به قسمتی از نمازهای نافله اکتفا نماید همانگونه که بطور کلی ترک آن هم جایز می باشد.

و نیز معتقدیم که انسان در انجام مستحبات دارای ثواب و پاداش است، ولی در ترک مستحبات برای انسان کیفر و عقوبتی نیست.

اذان و اقامه

معتقدیم که پیش از نماز، اذان و اقامه مستحب است و اذان به نظر ما دارای هیجده فصل و اقامه دارای هفده فصل می باشد. و شهادت به ولایت حضرت علی علیه السلام به نظر ما در اذان و اقامه پس از شهادت به رسالت حضرت محمد مستحب است و نیز معتقدیم که نگفتن

۱- سوره نساء: آیه ۱۰۲، ﴿كانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً﴾

« اشهد أن علیاً ولی الله » ضرری به اذان و اقامه نمی زند.

روزه

معتقدیم که روزه یکی از ارکان دین مقدس اسلام است و بر هر مسلمان مکلفی که قدرت بدنی داشته باشد واجب است به خاطر امثال فرمان خدا روزه بگیرد، زیرا خداوند در قرآن کریم فرموده است:

« ای کسانی که ایمان آوردید روزه گرفتن بر شما واجب شده است »^۱

و روزه عبارت است از خویشتن داری از مفطرات معلومی از اول طلوع فجر صادق تا مغرب شرعی با قصد قربت و این روزه در ماه مبارک رمضان و در موارد دیگری واجب می گردد که در کتب فقهی بیان شده است.

زکات

معتقدیم که زکات یکی از ارکانی است که اسلام بر آن بنا شده است. زکات دارای شرایط بسیاری است که آن هم در کتب فقهی به تفصیل یاد آوری شده است و زکات در طلا، نقره، گوسفند، شتر، گاو، گندم، جو، خرما، و کشمش واجب و در موارد دیگر از حیوانات مستحب است.

خمس

معتقدیم که خمس حقی است واجب که خداوند آن را در قرآن مجید واجب نموده است:

« دانسته باشید آنچه که سود ببرید یک پنجم آن مال خداست. »^۲

۱- سوره بقره: آیه ۱۸۳.

۲- سوره انفال: آیه ۴۱، ﴿ و اعلموا انما غنمتم من شیء فإن لله خمسہ ﴾ .

حج

معتقدیم که حج عملی است واجب زیرا قرآن کریم درباره آن فرموده است: « خداوند بر مردم واجب فرموده است هر کس که توانائی دارد باید حج بیت الله الحرام انجام دهد»^۱.
و بر هر مسلمان بالغ و عاقلی چه زن و چه مرد واجب است در تمام عمر یک بار حج برود، البته به شرط توانائی و تأمین جانی و آبروئی.

جهاد

معتقدیم که از ارکان دین ما جهاد است، و این عمل به منظور دعوت به سوی اسلام واجب است و وجوب آن به نحو واجب کفائی است، اما در صورت لزوم دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از جان و مال و آبرو به وجوب عینی واجب می گردد و بر هر کس واجب است به دفاع بپردازد.

امر به معروف و نهی از منکر

معتقدیم که این دو واجب از فروع دین مقدس اسلام می باشد و معتقدیم که خداوند به هر عمل نیکی فرمان داده و آن را (معروف) نامیده است و این فرمان گاهی بنحو استحباب است و از هر عمل زشتی نهی فرموده و آن را (منکر) نامیده است، و این نهی نیز در مواردی بنحو تحریم است، و گاهی هم بنحو کراهت است.

قرآن درباره امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

(باید گروهی از شما باشند که مردم را به نیکی دعوت نمایند و امر به معروف نموده، نهی از منکر کنند).

۱- سوره آل عمران: آیه ۹۷، ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ .

تولی و تبری

معنای تولی و تبری عبارت است از دوست داشتن تشکیلات الهی از پیامبران و امامان علیهم السلام، و تبری به معنی بیزاری جستن از دشمنان خدا و پیامبران و امامان اطهار علیهم السلام می باشد.

اما بقیه فروع دین که از آن جمله است: ازدواج و طلاق، خلع، ظهار و ایلاء، احکام دیات، قصاص، کفّارات، معاملات (خرید، فروش، ضمان، مزارعه، مساقات) و دیگر معاملات که ما در این قسمت نیز مطابق مذهب خود، مذهب جعفری عمل می کنیم و فقهای ما استناد می کنند به کتب فقها و مجتهدین اربعه شیعه: کافی کلینی، تهذیب و استبصار طوسی، من لا یحضره الفقیه صدوق و مقلدین ما مراجعه می کنند به رساله های عملیه که عبارت است از فتوای فقها و مراجع تقلید.

خاتمه

این بود عقاید ما مسلمانان علوی و مذهب ما نیز همان مذهب جعفری است که این مذهب، مذهب کسانی است که به علویون و شیعه معروف هستند و نام گذاری به (شیعه و علوی) هر دو به یک معنی است که همان جماعت جعفری و امامی اثنا عشری می باشد.

ما از درگاه خداوند بزرگ خواستاریم که این بیانیه ما را با حقایقی که در آن گفته شده است سبب رفع گمراهی افراد نادان و مغرض قرار دهد، و همه کس از دور و نزدیک و منصف و بی انصاف از آن استفاده کند و در شناخت ما علویون به این مدرک مورد اعتبار مراجعه نماید.

کسانی که چیزهایی برخلاف این بیانیه به ما نسبت می دهند، در نظر ما افراد خائن و تفرقه اندازی هستند که از طرف دشمن الهام می گیرند، تا میان مسلمین را بر باد دهند و یا اینکه

اینگونه افراد، افراد جاهل و نادانی هستند که به خویشتن و حقایق مذهبی ستم می‌نمایند و هیچیک از این دو دسته در نظر خردمندان گفتارشان ارزش نخواهد داشت.

این است بیانیه ما علویون و اهل حق که حقیقت ما را روشن می‌سازد، خواننده خود داند و قضاوت خویشتن و هر کس در برابر خدا و دین و وجدان خویش مسئول است، ما از خداوند یکتا استمداد می‌خواهیم و از او خواهانیم که توفیق عطا فرماید تا امت پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم متحد و متفق گشته به سوی صلاح دین و دنیای خویش هدایت گردد و با آشنایی و انس و الفت و گذشت و فداکاری نسبت به یکدیگر در راه همکاری و جهاد با تمام دشمنان خطرناک خود هر چه بیشتر کوشا و پیروز باشند.

و الحمد لله اولاً و آخراً و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.

اینک به نامها و آدرس‌های فضلا و رجال دینی مسلمانان علوی از جمهوری عربی سوریه، لبنان که این بیانیه را امضاء نموده‌اند، توجه فرمائید:

- ۱ - استاد ابراهیم جمال - لاذقیه.
- ۲ - استاد ابراهیم سعود - حلبکو - جبله.
- ۳ - استاد ابراهیم صالح معروف - حمص.
- ۴ - استاد ابراهیم حرفوش - المقرمة بانیاس مقیم لاذقیه.
- ۵ - شیخ ابراهیم حسن النجار - الشبطلية - مقیم لاذقیه.
- ۶ - شیخ ابراهیم الکامل - خطیب مسجد امام علی علیه السلام در طرابلس لبنان.
- ۷ - شیخ احمد علی حلوم - السبطلیه - مدرس دینی در منطقه لاذقیه.
- ۸ - شیخ احمد محمد رمضان، پیشنماز مسجد کرم - غیزل - صافیتا.
- ۹ - استاد حاج احمد عبید الخیر - قرادحة - مقیم لاذقیه.
- ۱۰ - شیخ اسماعیل شحود - لاذقیه.

- ۱۱ - شیخ حسین سعود - حلبکو - جبله.
- ۱۲ - شیخ حسن عباس بیصین - المشرفه - مصیاف.
- ۱۳ - شیخ حبیب صالح معروف - حمص.
- ۱۴ - حاج شیخ حامد عامودی الطرابلسی - حمص.
- ۱۵ - استاد شیخ حمدان الخیر - خطیب مسجد قرادحه.
- ۱۶ - شیخ حسن محمد علی - الدالة - جبله.
- ۱۷ - شیخ حیدر محمد حیدر - پیشنماز مسجد حصنان.
- ۱۸ - شیخ سلمان خلیل الوقاف - پیشنماز مسجد در یکیش.
- ۱۹ - شیخ رجب سعید خلیل - لاذقیه - مفتی منطقه بانیاس.
- ۲۰ - شیخ سلمان احمد سلمان - حمین - صافیتا.
- ۲۱ - شیخ سلیمان حسن - لاذقیه.
- ۲۲ - شیخ سلمان احمد خضر - جبله.
- ۲۳ - حاج شیخ سلیمان عیسی مصطفی - خطیب مسجد امام صادق علیه السلام در حریصون.
- ۲۴ - استاد صالح - علی عین التینه - الحفه مقیم دمشق.
- ۲۵ - حاج شیخ عبد الرحمن الخیر - القرادحة - مدرس دینی مقیم دمشق.
- ۲۶ - شیخ عبد اللطیف ابراهیم - مرهج - الدبدابة - صافیتا.
- ۲۷ - حاج شیخ عبد الکریم علی حسن - حمین، خطیب مسجد امام علی علیه السلام در طرطوس.
- ۲۸ - شیخ شیخ عبد اللطیف الخیر - پیشنماز مسجد قرادحة.
- ۲۹ - شیخ عبد الکریم خطیب.

- ۳۰ - شیخ عباس میهوب حرفوش مقرقدة - بایناس.
- ۳۱ - شیخ عبد اللطیف شعبان کفر فو - صافیتا.
- ۳۲ - شیخ عبد الله عابدين - مفتی منطقه الحفة.
- ۳۳ - شیخ عبد الهادی حیدری - ابو قبیس - مصیاف.
- ۳۴ - شیخ علی عبد الله - خطیب مسجد صفصافة - صافیتا.
- ۳۵ - حاج شیخ عبد الرحمن کنکاور - جبله - مفتی ومدرس دینی در صافیتا.
- ۳۶ - شیخ علی احمد محمد کتوب - در یکیش.
- ۳۷ - شیخ علی حسن علی - برمانة المشایخ - طرطوس.
- ۳۸ - شیخ علی محمود منصور - طرابلس - لبنان.
- ۳۹ - شیخ علی معروف ابراهیم - الرستین - لاذقیه.
- ۴۰ - شیخ علی عیسی حسن جبله.
- ۴۱ - شیخ علی عزیز - طرابلس - لبنان، فارغ التحصیل از دانشگاه فقه نجف اشرف.
- ۴۲ - شیخ علی ابراهیم حسن.
- ۴۳ - دکتر علی سلیمان احمد - لاذقیه.
- ۴۴ - شیخ غانم یاسین - لاذقیه.
- ۴۵ - شیخ فضل فضه بکسا - لاذقیه.
- ۴۶ - شیخ فضل غزال تلا - حفه - صاحب اجازه از دانشگاه فقه نجف اشرف.
- ۴۷ - شیخ کامل حاتم - خطیب مسجد امام زین العابدین علیه السلام در مشتقیتا لاذقیه.
- ۴۸ - شیخ کامل خطیب، پیشنماز مسجد در جیبول جبله.
- ۴۹ - شیخ کامل صالح معروف - خاندان شیخ دیب - صافیتا.

- ۵۰ - حاج شیخ محمود صالح عمران - طلّعی - صافیتا - خطیب مسجد امام صادق علیه السلام در حمص.
- ۵۱ - شیخ محمد حامد، قاضی شرعی بازنشسته مقیم طرطوس.
- ۵۲ - شیخ محمود صالح یوسف، مدرس دینی و خطیب مسجد امام حسین علیه السلام در بایناس.
- ۵۳ - شیخ محمد حمدان الحیر - قرادحة.
- ۵۴ - شیخ محمود سلیمان خطیب - جیبول - جبله - مقیم لاذقیه.
- ۵۵ - شیخ محمد علی احمد، قرادحة - خطیب مسجد امام رضا علیه السلام در جبله.
- ۵۶ - شیخ محمد محرز - شبطلیه، لاذقیه - قاضی شرعی بازنشسته.
- ۵۷ - شیخ محمد یوسف حمدان عمران - صهر بشیر - صافیتا مقیم لاذقیه.
- ۵۸ - حاج شیخ محمود مرهج - یحنین - طرطوس، مدرس در یکیش و دارای اجازه از نجف اشرف و دانشگاه دمشق.
- ۵۹ - شیخ محمد علی رمضان.
- ۶۰ - شیخ محمود احمد عمران - صهر بشیر - صافیتا مقیم طرطوس.
- ۶۱ - شیخ محمود محمد سلمان - جبیلیه جبله.
- ۶۲ - شیخ محمود علی شریف - بشرائیل - صافیتا، مقیم طرابلس.
- ۶۳ - شیخ محمود سعید - لاذقیه.
- ۶۴ - شیخ محمود علی سلمی - طرابلس لبنان.
- ۶۵ - استاد محمد بدر - شامیه لاذقیه.
- ۶۶ - شیخ مسعود صالح حلوم - رستن - لاذقیه.

- ۶۷ - استاد مصطفی السید - بعمره - صافیتا، مدرس دینی در سمت قبله - جبله و دارای اجازه از دانشگاه الازهر.
- ۶۸ - شیخ معلی محمد عبد الرحمن.
- ۶۹ - شیخ منصور صالح عمران خطیب مسجد امام صادق علیه السلام در طلیعی - صافیتا.
- ۷۰ - شیخ معروف بدر - مشامیه - لاذقیه.
- ۷۱ - حاج شیخ نصرالدین زیفا - فرمانداری اسکندرون مقیم دمشق.
- ۷۲ - شیخ یاسین محمد یونس - خاندان شیخ یونس - صافیتا، قاضی شرعی باز نشسته مقیم طرطوس.
- ۷۳ - شیخ یاسین عبد الکریم محمد - المصطبه - صافیتا.
- ۷۴ - شیخ یوسف حسن یوسف - طرابلس - لبنان.
- ۷۵ - شیخ یوسف حلوم شبطلیه، دارای اجازه از دانشگاه شریعت نجف.
- ۷۶ - شیخ یوسف صارم مدرس دینی در در یوس و خطیب مسجد امام صادق علیه السلام در لاذقیه.
- ۷۷ - شیخ یوسف ابراهیم یونس - خاندان شیخ یونس صافیتا - قاضی شرعی باز نشسته.
- ۷۸ - شیخ یونس حسن خدام.
- ۷۹ - شیخ یونس محمد - خاندان نافله - در یکیش.
- ۸۰ - شیخ یوسف غانم خطیب - در طرابلس لبنان.